

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

مرکز تحصیلات تکمیلی

رساله

برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D.)

رشته جامعه‌شناسی

گروه علوم اجتماعی

عنوان رساله:

مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی

رشته علوم اجتماعی

زهرا محمدی

استاد راهنما: دکتر محمد امین قانعی راد

استاد مشاور اول: دکتر رحمت اله صدیق سروسنایی

استاد مشاور دوم: دکتر امیر ملکی

شهریور ۱۳۹۳

(فرم شماره ۱۰: صورتجلسه دفاع از رساله)

تاریخ: ۹۷/۰۶/۰۳  
شماره: ۹۷/۰۳/۰۳



دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

### صورتجلسه دفاع از رساله دکتری تخصصی (Ph.D.)

جلسه دفاع از رساله دوره دکتری تخصصی **خانم زهرا محمدی** دانشجوی رشته جامعه شناسی گرایش مسائل اجتماعی ایران به شماره دانشجویی ۸۶۹۱۰۱۲۶۰ تحت عنوان «مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی رشته علوم اجتماعی» با حضور هیات داوران در روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۳۱ ساعت ۱۰/۳۰ صبح در محل ساختمان مرکز تحصیلات تکمیلی برگزار شد و هیات داوران پس از بررسی، رساله مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۹/۷۵ به حروف **نوزدهم و هفتاد و پنج درصد** با درجه **خوب** تشخیص داد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه/موسسه	امضاء
۱	آقای دکتر محمد امین قانع راد	استاد راهنما	دانشگاه	دانشگاه پیام نور	[Signature]
۲	آقای دکتر امیر ملکی	استاد مشاور اول	دانشگاه	پیام نور	[Signature]
۳	آقای دکتر صدیق سروستانی	استاد مشاور دوم	دانشگاه	پیام نور	[Signature]
۴	آقای دکتر محمدجواد زاهدی	استاد داور	دانشگاه	پیام نور	[Signature]
۵	خانم دکتر پروانه دانش	استاد داور	دانشگاه	پیام نور	[Signature]
۶	آقای دکتر مقصود فراست خواه	استاد داور	دانشگاه	پیام نور	[Signature]
۷	آقای دکتر محمدجواد زاهدی	نماینده تحصیلات تکمیلی	دانشگاه	پیام نور	[Signature]

## گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی و معنوی اثر

اینجانب زهرا محمدی دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع دکتری تخصصی رشته جامعه شناسی گواهی می‌نمایم چنانچه در رساله خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می‌دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

زهرا محمدی

شهریور ۱۳۹۳

اینجانب زهرا محمدی دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع دکتری تخصصی رشته جامعه شناسی گواهی می‌نمایم چنانچه بر اساس مطالب رساله خود به انتشار مقاله، کتاب، و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

زهرا محمدی

شهریور ۱۳۹۳

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این رساله متعلق به دانشگاه پیام نور می‌باشد.

شهریور ۱۳۹۳

## تقدیر و سپاس

حمد و سپاس خداوند کارساز و بنده نواز را که با الطاف بیکران خود توفیق حیات و آغاز و انجام این تحقیق را به‌عنوان گامی کوچک در شناخت مسئله‌ای پیچیده در عرصه‌ای دشوار و با همه کاستی‌های آن به نگارنده این سطور عطا فرمود.

بدون تردید، آغاز و انجام هر رساله پژوهشی مستلزم یاری و همکاری از جانب دیگرانی است که هر یک جایگاه ویژه‌ای در این حوزه دارند و بر نگارنده مفروض است که از زحمات و همراهی یکایک آنان قدردانی و سپاسگزاری به‌عمل آورد.

نخست لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر قانع‌ی راد به‌عنوان استاد راهنمای خویش که بر من منت نهاده و هدایت این تحقیق را پذیرفتند و از هیچ مساعدتی دریغ نفرمودند، قدردانی و تشکر ویژه به‌عمل بیاورم. علاوه بر هدایت علمی کار، منش انسانی و اخلاقیات کم‌نظیر ایشان در شرایط دشواری که طی مسیر بر نگارنده گذشت، انگیزه نهایی ادامه و اتمام این کار بود و از این بابت، خود را رهین لطف ایشان می‌دانم و از خداوند برای وجود گران‌قدرشان سلامت و خیر دنیا و آخرت طلب می‌کنم.

از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر ملکی به‌خاطر پذیرش مشاوره این رساله کمال سپاسگزاری را دارم و دعاگوی سلامت و سعادت ایشان هستم. خداوند به ایشان توفیق روزافزون عطا فرماید. از خداوند متعال برای استاد ارجمند مرحوم آقای دکتر صدیق سروستانی که مشاوره رساله را به عهده داشتند و در طی انجام رساله به دیار باقی شتافتند، طلب رحمت و آمرزش می‌کنم.

همچنین از دقت نظر داوران محترم جناب آقای دکتر فراستخواه، جناب آقای دکتر زاهدی و سرکار خانم دکتر دانش که به تدقیق نهایی تحقیق حاضر کمک ارزنده‌ای نمودند، سپاسگزارم.

اما بهترین سپاس خود را تقدیم خانواده‌ام و به‌خصوص همسر می‌کنم که مشکلات عدیده کار، در کنار صبوری و همراهی بی‌دریغ و لحظه به لحظه آنان در دوران تحصیل و انجام رساله، قابل تحمل گردید. خداوند از بهترین نعمات خود آنان را بهره‌مند سازد و مرا قدردان محبت‌شان قرار دهد. در نهایت این رساله را به روح پاک مادرم تقدیم می‌کنم که در طی انجام این رساله به دیار باقی

شتافت. خدایش رحمت کند و اجر جزیل به وی عطا نماید. انشاءالله

## چکیده

نهاد علم و دانشگاه فرهنگ خاص خود را دارد که همانند سایر پدیده‌ها در گذر زمان تحولاتی داشته است. به نظر می‌رسد فرهنگ دانشگاهی ایران طی سال‌های اخیر تغییر کرده است. این پژوهش درصدد است تا دگرگونی فرهنگی در دانشگاه را بررسی و پیامدهای آن را مورد مطالعه قرار دهد. با توجه به هدف این پژوهش که فهم شیوه درک، تفسیر و معناسازی افراد جامعه مورد نظر است، لذا روش پژوهش از نوع کیفی است و به منظور ورود به ساحت معنایی از نظریه مبنایی (GT) استفاده شده است. در این مطالعه ۳۴ نفر از نسل‌های سه‌گانه استادان علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران از طریق نمونه‌گیری هدفمند و نظری مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. کدگذاری، استخراج داده‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها با استفاده از نرم افزار اطلس تی انجام شده است. تحلیل نهایی پژوهش در قالب یک مدل نظری با خط سیر داستانی دگرگونی فرهنگی در جهت گسترش بی‌هنجاری فرهنگ تولید و انتقال دانش پیرامون پدیده مرکزی جذب، ارزیابی و ارتقاء علمی استادان دانشگاه پدیدار گشت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، دگرگونی در فرهنگ آموزش از شاگردپروری و پرورش منش و اخلاقیات از طریق تعاملات عاطفی در نسل اول به‌خاطر ازدیاد دانشجو و فناوری ارتباطات و اطلاعات، به سمت تعاملات صوری و غیرحضور و کاهش استاد پذیری در نسل سوم رسیده است. فرهنگ پژوهش نیز به‌خاطر پژوهش محور شدن آیین نامه ارتقاء علمی در جهت افزایش کمی فعالیت پژوهشی (به‌خصوص چاپ مقالات) پیش رفته است تا استاد از امنیت شغلی و مالی حاصل از ارتقاء علمی بهره‌مند شود. نفوذ فرهنگ مادی‌گرایی و گسترش آن در بین دانشگاهیان طی نسل‌ها قوت گرفته و انگیزه‌های مادی منش استادی و انگیزه علمی را به حاشیه رانده است.

**واژگان کلیدی:** دگرگونی فرهنگی؛ جذب، ارزیابی و ارتقاء علمی؛ بی‌هنجاری فرهنگ علم و

دانش؛ نظریه مبنایی.

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
	<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>
۴	۱-۱- مقدمه
۴	۱-۲- بیان مسئله
۸	۱-۳- ضرورت انجام تحقیق
۹	۱-۴- هدف‌های تحقیق
۹	۱-۴-۱- هدف کلی
۹	۱-۴-۲- هدف‌های جزئی
	<b>فصل دوم: پیش زمینه‌های مفهومی و نظری و پیشینه تحقیق</b>
۱۱	۱-۲- مقدمه
۱۲	۲-۲- تحول فرهنگی در جامعه
۱۳	۲-۲-۱- تحول فرهنگی اینگلهارت
۲۱	۲-۲-۱-۱- نقد و ارزیابی تحول فرهنگی اینگلهارت
۲۶	۲-۲-۲- تحولات نسلی
۲۷	۲-۲-۲-۱- نظریه ساختاری- تاریخی مانهایم
۳۱	۲-۲-۲-۲- نظریه جهان اجتماعی بوردیو
۳۵	۲-۲-۲-۳- نقد و ارزیابی نظریات تغییر نسلی
۳۷	۳-۲- رابطه علم و فرهنگ
۴۱	۴-۲- تحول فرهنگی در نهاد علم
۴۳	۴-۲-۱- ساختار فرهنگی علم دانشگاهی
۴۴	۴-۲-۱-۱- رابرت مرتن و آداب علم در شیوه اول تولید علم
۵۲	۴-۲-۱-۱-۱- نقد و ارزیابی آداب علم مرتن

۵۷	۲-۴-۱-۲- نظرات سایر جامعه شناسان پیرامون آداب علم
۶۷	۲-۴-۲- ساختار فرهنگی علم پسادانشگاهی
۶۸	۲-۴-۲-۱- صنعت بازار دانش
۸۰	۲-۴-۲-۲- مایکل گیبونز و شیوه دوم تولید دانش
۸۷	۲-۴-۲-۳- شیوه سوم تولید دانش
۹۱	۲-۴-۲-۴- نقد و ارزیابی شیوه‌های جدید تولید دانش
۹۳	۲-۴-۳- جمع‌بندی تحول فرهنگی علم دانشگاهی و پسادانشگاهی
۹۹	۲-۴-۴- تحول نسلی در نهاد علم و دانشگاه
۱۰۵	۲-۴-۵- تحول علم جامعه شناسی در ایران
۱۰۷	۲-۵-۰- پیشینه تجربی
۱۰۹	۲-۵-۱- تحقیقات خارجی
۱۱۷	۲-۵-۲- تحقیقات داخلی
	<b>فصل سوم: روش تحقیق</b>
۱۲۸	۳-۱- مقدمه
۱۲۹	۳-۲- استراتژی و روش تحقیق
۱۳۳	۳-۳- میدان مطالعه و جامعه مورد مطالعه
۱۳۴	۳-۴- روش نمونه گیری و تعداد نمونه
۱۳۶	۳-۵- روش گردآوری داده‌ها
۱۳۸	۳-۶- راهنمای مصاحبه و مضمون سوالات
۱۳۸	۳-۷- روش تحلیل داده‌ها
۱۴۷	۳-۸- اعتبار تحقیق
	<b>فصل چهارم: یافته‌های تحقیق</b>
۱۵۰	۴-۱- مقدمه
۱۵۰	۴-۲- ویژگی‌های فردی و شغلی مصاحبه شوندگان



- ۱۵۵ ۳-۴- کد گذاری باز و مفهوم بندی متون
- ۱۷۷ ۴-۴- کد گذاری محوری و مقوله بندی مفاهیم
- ۲۰۸ ۵-۴- کد گذاری انتخابی و مقوله های اصلی تحقیق
- ۲۳۴ ۶-۴- بیان روایت

### **فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری**

- ۲۳۸ ۱-۵- مقدمه
- ۲۴۰ ۲-۵- نوع بندی فرهنگ های موجود در جامعه مورد مطالعه
- ۲۴۰ ۱-۲-۵- فرهنگ آموزش
- ۲۴۱ ۲-۲-۵- فرهنگ پژوهش
- ۲۴۳ ۳-۲-۵- فرهنگ مناسبات اداری
- ۲۴۴ ۳-۵- مقایسه یافته های پژوهش با مفاهیم و پیش زمینه های نظری
- ۲۴۷ ۴-۵- مقایسه یافته های پژوهش با تحقیقات پیشین
- ۲۵۱ ۵-۵- ارائه پیشنهادها

### **پیوست های تحقیق**

- ۲۵۴ پیوست ۱: سوالات راهنمای مصاحبه
- ۲۵۶ پیوست ۲: عملیات مقدماتی در نرم افزار اطلس تی
- ۲۵۶ پیوست ۱-۲: عملیات ورود مصاحبه ها در نرم افزار اطلس تی
- ۲۵۷ پیوست ۲-۲: مسیر ورود مصاحبه ها در نرم افزار اطلس تی
- ۲۵۷ پیوست ۳-۲: مصاحبه های بارگذاری شده نسل اول
- ۲۵۸ پیوست ۴-۲: مصاحبه های بارگذاری شده نسل دوم
- ۲۵۸ پیوست ۵-۲: مصاحبه های بارگذاری شده نسل سوم
- ۲۵۹ پیوست ۳: کد گذاری باز از طریق نرم افزار اطلس تی
- ۲۵۹ پیوست ۱-۳: متن مصاحبه شماره ۵ کد گذاری شده
- ۲۶۰ پیوست ۲-۳: متن مصاحبه شماره ۱۰ کد گذاری شده

- ۲۶۰ پیوست ۳-۳: تعیین متن مصاحبه به وسیله کد مربوطه در نسل اول
- ۲۶۱ پیوست ۴-۳: تعیین متن مصاحبه به وسیله کد مربوطه در نسل سوم
- ۲۶۱ پیوست ۵-۳: لیست مفاهیم در کد گذاری باز نسل اول و نحوه دسترسی به مفاهیم
- ۲۶۲ پیوست ۶-۳: لیست مفاهیم در کد گذاری باز نسل دوم و نحوه دسترسی به مفاهیم
- ۲۶۲ پیوست ۷-۳: لیست مفاهیم در کد گذاری باز نسل سوم و نحوه دسترسی به مفاهیم
- ۲۶۳ پیوست ۴: اصلاح، تغییر یا حذف کدها
- ۲۶۳ پیوست ۵: کد گذاری محوری
- ۲۶۳ پیوست ۱-۵: روش کد گذاری محوری در نرم افزار اطلس تی
- ۲۶۴ پیوست ۲-۵: روش نام گذاری در کد گذاری محوری
- ۲۶۴ پیوست ۳-۵: لیست مقوله‌های محوری در نسل اول
- ۲۶۵ پیوست ۴-۵: لیست مقوله‌های شبکه بندی شده در نسل دوم
- ۲۶۵ پیوست ۶: شبکه‌های ارتباطی بین مقوله‌ها با مفاهیم مربوطه
- ۲۶۵ پیوست ۱-۶: شبکه‌های ارتباطی جامعه پذیری در نسل اول
- ۲۶۶ پیوست ۲-۶: شبکه‌های ارتباطی هنجار علم در نسل اول
- ۲۶۶ پیوست ۳-۶: شبکه‌های ارتباطی بازاری شدن دانش در نسل دوم
- ۲۶۷ پیوست ۴-۶: شبکه‌های ارتباطی آیین نامه ارتقاء در نسل دوم
- ۲۶۷ پیوست ۵-۶: شبکه‌های ارتباطی موانع رشد علم در نسل دوم
- ۲۶۸ پیوست ۶-۶: شبکه‌های ارتباطی مادیات علم در نسل دوم
- ۲۶۸ پیوست ۷-۶: شبکه‌های ارتباطی ضعف تعاملات در نسل سوم
- ۲۶۹ پیوست ۸-۶: شبکه‌های ارتباطی مدرک گرایی در نسل سوم

## منابع و مآخذ

- ۲۷۱ منابع و مآخذ فارسی
- ۲۷۶ منابع و مآخذ انگلیسی
- ۲۸۰ چکیده انگلیسی

## فهرست جداول و اشکال

- شکل ۱-۲: مدل تحلیلی نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت ۲۰
- جدول ۱-۲: هنجارها و ضد هنجارهای علم ۶۳
- جدول ۲-۲: سوگیری هنجاری دانشمندان برحسب نوع هنجار ۷۱
- شکل ۲-۲: ارتباط نظام نوآوری با سایر نظام‌های جامعه ۸۹
- جدول ۳-۲: مقایسه فرهنگ تولید دانش در الگوی سنتی و جدید ۹۵
- جدول ۴-۲: مقایسه فرهنگ انتقال دانش در الگوی سنتی و جدید ۹۹
- جدول ۵-۲: مقایسه ویژگی‌های سه موج در تحول علم ۱۰۱
- شکل ۱-۳: کد گذاری باز در نرم افزار اطلس تی ۱۴۲
- شکل ۲-۳: کد گذاری محوری در نرم افزار اطلس تی ۱۴۳
- شکل ۳-۳: شبکه ارتباطی بین مقوله با مفاهیم مربوطه (مادیات علم از نسل اول) ۱۴۴
- شکل ۴-۳: کد گذاری انتخابی در نرم افزار اطلس تی ۱۴۵
- شکل ۵-۳: مدل الگویی تحقیق ۱۴۶
- جدول ۱-۴: ویژگی‌های فردی و شغلی استادان علوم اجتماعی مورد مطالعه ۱۵۴
- جدول ۲-۴: تعداد مفاهیم کد گذاری باز به تفکیک نسل و شماره مصاحبه ۱۵۵
- جدول ۳-۴: مفاهیم کد گذاری باز به تفکیک نسل ۱۵۶
- شکل ۱-۴: انتقال و جمع‌آوری مفاهیم مشابه در زیرمقوله مربوطه (فردگرایی از نسل دوم) ۱۷۷
- شکل ۲-۴: شبکه ارتباطی بین مقوله با مفاهیم مربوطه (ضد هنجارهای علم از نسل دوم) ۱۷۸
- شکل ۳-۴: شبکه ارتباطی بین مقوله با مفاهیم مربوطه (آیین نامه ارتقاء از نسل سوم) ۱۷۸
- جدول ۳-۴: زیرمقوله‌ها و تعداد مفاهیم مربوطه به تفکیک نسل ۱۷۹
- جدول ۴-۴: مقوله‌های محوری و تعداد مفاهیم هر مقوله ۱۸۰
- جدول ۵-۴: مستندات انتخابی مقوله‌های محوری ۱۹۹
- جدول ۶-۴: دسته‌بندی مقوله‌های محوری ۲۰۹
- شکل ۳-۴: مدل نظریه مبنایی دگرگونی در دانشگاه ۲۳۳

## مقدمه

توسعه به عنوان یکی از مسائل مهم جهانی وابسته به توسعه علم است اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست، اقتصاد و مدیریت هم توسعه می‌یابد. توسعه علمی یک جامعه وابسته به میزان تولید و ترویج علم و فرهنگ به کارگیری آن است که این نیز بستگی به فرهنگ مراکز علمی دارد. دانشگاه‌ها به عنوان مراکز اصلی علمی کشور در فرایند تولید و به کارگیری دانش اهمیت ویژه‌ای دارند، نیروهای تحصیل کرده و توانمند به‌خصوص اساتید دانشگاه‌ها، تولیدکنندگان اصلی علم و فناوری محسوب می‌شوند.

همچنین دانشگاه به عنوان یک ساختار اجتماعی، مجموعه‌ای از روابط کارگزاران دانش (اساتید و دانشجویان) می‌باشد. در این ساختار اجتماعی یک فضای فرهنگی در قالب مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی شکل می‌گیرد که متفاوت از سایر اقشار جامعه است و از طریق ارتباط با کارگزاران جامعه پذیری در فرایند اجتماعی شدن به تازه واردان منتقل می‌شود. به عبارت دیگر پدیده انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسلی دیگر صورت می‌گیرد، با این مضمون که روابط کارگزاران علم با محتوای شناختی و هنجاری علم از نوع فهمیدن و از نوع بودن است و در فرایند جامعه پذیری افرادی پرورش می‌یابند که به‌طور وجودی یا فرهنگی به ارزش‌ها، نظریات و فنون ویژه علم، متعهد و مقیدند. (قانع‌ی راد، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱)

نکته اساسی این است که همه جامعه شناسان در باره جهانی بودن ارزش‌ها و باورهای مشترک دانش و فرهنگ دانشگاهی اتفاق نظر ندارند زیرا فرهنگ دانشگاهی از دل ساختارها، روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بیرون می‌آید و با تغییر فرهنگ حاکم بر دانشگاه و علم نیز تغییر می‌کند. بنابراین ارزش‌ها و هنجارهای اساتید در جوامع مختلف و همچنین با گذر زمان به تبع سیاست گذاری‌ها تغییر خواهد کرد.

پژوهش حاضر با عنوان «مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی رشته علوم اجتماعی» در صدد است تا تحولات فرهنگی را در بین نسل‌های مختلف استادان علوم اجتماعی مورد مطالعه قرار دهد. این موضوع بدین لحاظ ضرورت دارد که؛ فرهنگ و به‌طور خاص ارزش‌ها و هنجارها در تبیین، کنترل و پیش‌بینی رفتار انسان‌ها اهمیت زیادی دارد. با بررسی دگرگونی فرهنگی نسل‌های

مختلف کنشگران علم، سمت و سوی حرکت علمی جامعه مشخص می‌شود. برای رسیدن به پیشرفت علمی در سند چشم انداز بیست ساله و کسب مقام ممتازی در تولید علم، نیاز به شناخت بیشتر و مطالعات وسیع‌تر است. شناخت معیارهای حاکم بر رفتار علمی اساتید نسل‌های مختلف راه را برای برنامه‌ریزی و رسیدن به این آرمان ملی هموارتر خواهد نمود.

هدف، بررسی تحولات فرهنگی در بین استادان رشته علوم اجتماعی به‌خصوص نسل سوم اساتید (نسل بعد از انقلاب اطلاعاتی و دوران اصلاحات) در مقایسه با نسل دوم اساتید (نسل بعد از انقلاب فرهنگی) و نسل اول استادان (قبل از انقلاب فرهنگی و انقلاب اسلامی) و تبیین تفاوت‌های آن به منظور رسیدن به نظریه‌مبنایی<sup>۱</sup> در این خصوص می‌باشد. لذا دگرگونی فرهنگی در نسل‌های استادان دانشگاه از نگاه خودشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این بررسی سمت و سوی تحول فرهنگی در علم مشخص شده و می‌توان با تحول فرهنگی ایجاد شده در جامعه مقایسه نمود. در این صورت، مطالعه تحول فرهنگی کارگزاران علم حاکی از پیوند بین جامعه‌شناسی علم و دانشگاه و جامعه‌شناسی فرهنگ با حساسیت بر فرایند مادی‌گرایی<sup>۲</sup> و پسامادی‌گرایی<sup>۳</sup> رویکرد جدیدی است که می‌تواند راهگشای سایر تحقیقات باشد.

---

1. Grounded Theory

2. Materialism

3. Post materialism

# **فصل اول:**

## **کلیات تحقیق**

## ۱-۱- مقدمه

نهاد علم و دانشگاه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه علمی، به میزان تولید علم و دانش و فرهنگ به کارگیری آن بستگی دارد. این نهاد در گذر زمان و در بستر اجتماعی دستخوش تغییراتی شده است؛ یعنی فکرها، ایده‌ها، عقاید، قاعده‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، هدف‌ها و سبک‌ها درباره کار و بار دانش دگرگون شده است و طرز نگاه و الگوهای ذهنی و رفتاری کنشگران و ذی-نفعان اعم از دانشگاهیان، پژوهشگران و مخاطبان آن‌ها در مورد ماهیت دانش، کارکردها و معیارهای آن متحول شده است. در واقع علم محصور در دانشگاه‌ها پا به عرصه جامعه نهاده است و سایر نهادهای اجتماعی در تولید و توسعه آن نقش ایفا می‌کنند. بدین سان، فرهنگ کنشگران علم نیز تغییر کرده است. این تغییر و دگرگونی مسئله مورد بررسی این رساله می‌باشد که از نگاه خود کنشگران بازکاوی می‌شود. این فصل به کلیات تحقیق (طرح تحقیق) می‌پردازد که شامل بیان مسئله و سوالات مربوط به آن، ضرورت انجام تحقیق و اهداف مورد نظر تحقیق می‌شود.

## ۱-۲- بیان مسئله

جامعه‌شناسان، علم را «نهاد اجتماعی»<sup>۱</sup> (مانند خانواده، اقتصاد، مذهب و سیاست)، دارای فرهنگ مستقل می‌دانند که باورها و ارزش‌ها و معیارهای خاص خود را دارد. این معیارها، الگوی اخلاقی و فنی مجاز و قابل قبول کنش و منش افراد وابسته به این نهاد را تعیین می‌کنند و به اعضای آن می‌گویند چه چیز مرجح، مقبول، پسندیده و مجاز است. بنابراین «فرهنگ علم چیزی مجزای از رفتار و الگوهای رفتاری معمول و متداول در جامعه است» (مرتین<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳: ۳۳). این ارزش‌ها، انگیزه و محرک درونی و علائق شخصی کنشگران عرصه علم را جهت داده و در مسیر ارتقای دانش سوق می‌دهد. از این رو علم با تلاش مشترک کنشگران علم با رعایت ارزش‌ها و هنجارهای خاص آن توسعه می‌یابد (مولکی ۱۹۷۶، فاضلی، ۱۳۷۸).

1. communality

2. Merton

مرتن قبل از هر جامعه‌شناسی فرهنگ علم را مورد بررسی قرار داد و به علم به عنوان یک نهاد اجتماعی با شکل سازمانی و اخلاقی و از چشم‌اندازی کارکردگرایانه نظر افکند. وی معتقد بود که علم با رعایت ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود توسعه می‌یابد. یعنی علم در درون چارچوب دانشگاهی تولید می‌شود و دارای فرهنگ مستقل و هنجارهای مشخصی است که باید توسط عالمان رعایت شود. به عبارت دیگر دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی بر قواعد مشخص و فرهنگ خاص خود متکی است. از این منظر، «فرهنگ دانشگاهی به نظام باورها، انتظارات و اعمال فرهنگی درباره این که چگونه باید به نحو دانشگاهی عمل کرد، گفته می‌شود» (کورتزی<sup>۱</sup> و جین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷: ۷۷). در تعریف فرهنگ دانشگاهی علاوه بر شیوه عمل؛ وجوه عاطفی، احساسی و ارتباطی کنش انسان دانشگاهی نیز مورد توجه است. کلیفورد گیرتز<sup>۳</sup> (۱۹۸۳)، فرهنگ دانشگاهی را الگوی معانی نهفته در صور نمادین، از جمله کنش‌ها، گفته‌ها و تمامی مقوله‌های معناداری می‌داند که دانشگاهیان به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجارب، دریافت‌ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند. در این تعریف، فرهنگ دانشگاهی به صورت زبان ویژه، فضای نمادین، آئین‌های دانشگاهی، عرف و مقررات و به طور کلی نمادهای خاص، عینیت پیدا می‌کند و مهم‌ترین کارکرد آن تعیین هویت خاصی برای انسان دانشگاهی است. بوردیو (۲۰۰۱) معتقد است انسان دانشگاهی دارای عادات، منش، ذوق و سلیقه‌ای است که به عامل اجتماعی این امکان را می‌دهد تا روح قواعد، آداب، جهت‌ها، روندها، ارزش‌ها و دیگر امور حوزه کنش آکادمیک و زیست دانشگاهی در او شکل بگیرد، پذیرفته شود و منشاء اثر شود.

بحث از علم و دانشگاه، بحث پیرامون نوع خاصی از نگرش‌ها و یک سلسله ارزش‌های اجتماعی، یک نوع سبک زندگی، الگوهای خاصی از حل مسئله، نوع متفاوتی از قضاوت کردن، تعامل با دیگران، اداره زندگی و شیوه مدیریت است. فرهنگ دانشگاه همواره دستخوش تغییر و انسجام یافتن بوده و هست. تحولات آموزش عالی از ظهور اولین دانشگاه در قرن سیزدهم در بولونیای ایتالیا (محسنی، ۱۳۷۸: ۳۴) تا به امروز نشان می‌دهد که آموزش عالی و بالاحص دانشگاه

1. Cortazzi

2. Jin

3. Clifford Geertz



همواره نهادی پویا و متغیر بوده و همگام با تحول ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و معرفتی تغییر کرده است.

نکته اساسی این است که همه جامعه شناسان در باره جهانی بودن ارزش‌ها و باورهای مشترک دانش و فرهنگ دانشگاهی اتفاق نظر ندارند زیرا فرهنگ دانشگاهی از دل ساختارها، روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بیرون می‌آید و با تغییر فرهنگ حاکم بر دانشگاه و علم نیز تغییر می‌کند. بنابراین ارزش‌ها و هنجارهای اساتید در جوامع مختلف و همچنین با گذر زمان به تبع سیاست گذاری‌ها تغییر خواهد کرد.

با ظهور تحولات اجتماعی به‌خصوص در اواخر قرن بیستم موج جدیدی از علم ظهور کرد که با قبل متفاوت بود. به این صورت که تولید و توسعه علم از انحصار دانشگاه خارج شده و علم فراتر از دانشگاه‌ها، با نهادهای سیاسی، تجاری و نظامی رابطه برقرار کرده است و همگام با بازار و حکومت عمل می‌کند. مایکل گیبونز<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۹۴) معتقدند با صنعتی شدن و بازاری شدن علم، کارگزاران علمی در موسسات پژوهش صنعتی و دولتی ظهور می‌کنند که نسبت به هنجارهای علمی بی‌اعتنایند در عوض مجذوب شرایط کار، دستمزد، امنیت و چشم اندازهای شغلی می‌شوند. در چنین شرایطی عالمان به جای پایبندی به اخلاق علم به دنبال کسب ثروت، قدرت، شهرت و پاداش که بر اساس نظر مازلو<sup>۲</sup> و کالینز<sup>۳</sup> کمیابند، می‌روند. یعنی ارزش‌های جامعه علمی از تاکید بر کشف حقیقت و پیشبرد علم، به سوی تاکید بر ثروت، شهرت، امنیت شغلی و مقام و پاداش تحول می‌یابد. علت‌ها و پیامدهای این تحول پیچیده است اما بنا بر یک اصل اساسی «مردم بیشتر نگران نیازهای فوری و آنچه تهدیدشان می‌کند، هستند تا چیزهایی که دور از دسترس و غیر ضروری به نظر می‌آیند.» (اینگلهارت<sup>۴</sup>، ۱۳۷۳: ۸) با آن که میل به دانایی و حقیقت جویی در بین اهل علم کم و بیش عمومی است. اما کارگزاران علمی جامعه (استادان دانشگاه) بیش از آن که در فکر ارضای این تمایل باشند، در جستجوی امنیت شغلی، کسب شهرت، ارتقای رتبه و حقوق و مزایای بیش‌تر هستند. در

---

1. Michael Gibbons

2. Maslow

3. Collins

4. Inglehart

واقع نظام علمی و دانشگاهی دگرگون شده است و این دگرگونی و جابجایی در فرهنگ علم و دانشگاه از اخلاقیات سنتی علم به سمت بازار و صنعت صورت گرفته است.

تحولات نظام دانشگاهی در جوامع در حال توسعه عمدتاً ناشی از تاثیر عوامل مرتبط با فرایندهای نوسازی تلقی می‌شود. نهاد دانشگاه برای جوامع در حال گذار مانند ایران، یک نهاد مستقر با کارکردهای تثبیت شده و مورد اجماع نیست بلکه پیوند تنگاتنگی با چالش‌های سنت-تجدد دارد. به همین جهت دانشگاه در قبل از انقلاب، از محوری‌ترین گرانیگاه‌های تحولات در ایران بود و پس از انقلاب نیز مرکز کشاکش‌های فکری، فرهنگی و سیاسی از جمله انقلاب فرهنگی، تعطیلی دانشگاه‌ها، اسلامی شدن دانشگاه‌ها و بومی‌سازی علم شد (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۲۳). از دیگر عوامل مرتبط با تغییر فرهنگ دانشگاهی، توده‌ای شدن آموزش عالی، جهانی‌شدن و گسترش کاربرد فناوری-های اطلاعات و ارتباطات و کاربردی کردن دانش است.

شاید بتوان براساس مطالعات انجام شده در حوزه نظام علمی و دانشگاهی، یک سری عوامل مؤثر بر دگرگونی فرهنگ دانشگاهی را ارائه نمود، اما هدف اساسی این پژوهش فهم شیوه درک، تفسیر و معناسازی افراد جامعه مورد نظر از این دگرگونی است. توصیف دقیق و آشکارسازی لایه-های زیرین مستلزم اتخاذ رویکردی غیر پوزیتیویستی است. بر این اساس، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تفسیری و استفاده از روش کیفی و تحلیل نظریه مبنایی<sup>۱</sup> به بررسی دگرگونی فرهنگی دانشگاه در میان استادان علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌پردازد تا بتواند تفاسیر موجود از تجربه زیسته و روزمره تغییرات دانشگاهی را در میان افراد جامعه مذکور بررسی کرده و در نهایت مدل نظری اما داده محور از آن ارائه کند. به همین منظور پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوال‌های زیر می‌باشد:

- استادان علوم اجتماعی از چه الگوی فرهنگی تبعیت می‌کنند؟
- در چند دهه اخیر چه پدیده اصلی بر فرهنگ استادان علوم اجتماعی اثرگذار بوده است؟
- روند دگرگونی فرهنگی در نسل‌های مختلف استادان چگونه است. به عبارت دیگر چه تغییراتی در فرهنگ استادان علوم اجتماعی بوجود آمده است؟

---

<sup>۱</sup>. Grounded theory

- عوامل مرتبط با دگرگونی فرهنگی در بین استادان علوم اجتماعی کدامند؟
- شرایط اجتماعی اثرگذار بر پدیده اصلی چه بوده‌اند؟
- چه ارتباطی بین کنش‌های راهبردی استادان با شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای وجود دارد؟
- تعامل بین عوامل فوق چه پیامدهایی داشته است؟
- سمت و سوی تغییرات فرهنگی در نهاد علم و دانشگاه چه نسبتی با تحول فرهنگی در جامعه دارد؟

### ۱-۳- ضرورت انجام تحقیق

مواردی چند ضرورت انجام این تحقیق را میسر می‌سازد؛ اول از همه نقش و اهمیت فرهنگ به‌طور خاص و ارزش‌ها و هنجارها در تبیین، کنترل، هدایت، نظارت و پیش‌بینی رفتار انسانهاست؛ هچتر (۱۹۹۳) جامعه‌شناس ارزش‌ها، بر این باور است که افراد تا حد زیادی توسط ارزش‌ها و هنجارها به حرکت در می‌آیند و رفتار، صرفاً ناشی از محرک‌های مادی نیست. هنجارها، نقش‌های اجتماعی و انتظارات از نقش در جامعه را تعریف می‌کنند. با ایفای نقش بر اساس هنجارها، افراد متفاوت با یکدیگر هماهنگ، پیوسته و هم‌جهت می‌شوند و نظم اجتماعی شکل می‌گیرد.

دوم، نقش و اهمیت علم در پیشرفت جامعه است و این پیشرفت در مراکز علمی از جمله دانشگاه‌ها و به واسطه کنشگران علم به‌خصوص اساتید انجام می‌شود. از آنجا که ارزش‌ها و هنجارهای علمی نقش اساسی بر رفتار عالمان دارد، لذا با بررسی دگرگونی فرهنگی نسل‌های مختلف آن‌ها، سمت و سوی حرکت علمی جامعه مشخص می‌شود.

سوم، حال که ایران در چشم انداز بیست ساله می‌خواهد خود را با یک الگوی پیشرفته علمی معرفی کند و مقام ممتازی در تولید علم کسب کند، نیاز به شناخت بیشتر و مطالعات وسیع‌تر دارد. شناخت معیارهای حاکم بر رفتار علمی اساتید در نسل‌های مختلف راه را برای برنامه‌ریزی و رسیدن به این آرمان ملی هموارتر خواهد نمود.

چهارم، با گسترش صنعت- بازار دانش، علم توسعه یافته و منبعی برای تولید ثروت جوامع شده است. با مطالعه فرهنگ عالمان، سمت و سوی توسعه علمی مشخص شده و می توان آن را تسریع نمود.

پنجم آن که، مطالعه تحول فرهنگی کارگزاران علم حاکی از پیوند بین جامعه شناسی علم و دانشگاه و جامعه شناسی فرهنگ با حساسیت بر فرایند مادی گرایی و پسامادی گرایی رویکرد جدیدی است که می تواند راه گشای سایر تحقیقات باشد.

## ۱-۴- هدف های تحقیق

۱-۴-۱- **هدف کلی:** بررسی دگرگونی فرهنگی علم در جمع استادان رشته علوم اجتماعی به- خصوص نسل سوم اساتید (نسل بعد از انقلاب اطلاعاتی و دوران اصلاحات) در مقایسه با نسل دوم اساتید (نسل بعد از انقلاب فرهنگی) و نسل اول استادان (قبل از انقلاب فرهنگی و انقلاب اسلامی) و تبیین تفاوت های آن به منظور رسیدن به نظریه مبنایی در این زمینه.

## ۱-۴-۲- هدف های جزئی:

- مطالعه دگرگونی فرهنگی علم نزد استادان دانشگاه از نگاه خودشان.
- مفهوم پردازی در فرهنگ علم با تاکید بر دگرگونی فرهنگی.
- شناخت اهمیت و اعتبار هنجارهای دانش نزد اساتید با تاکید بر سه نسل دانشگاهی.
- شناخت عوامل موثر دگرگونی ایجاد شده در این حوزه.
- شناخت پیامدهای حاصل از این دگرگونی.
- مقایسه تحولات فرهنگی ایجاد شده در حوزه علم و دانش با تحولات فرهنگی در جامعه.
- ارائه پیشنهادهایی برای بهبود دگرگونی فرهنگی علم.